**درس خارج فقه استاد سید محمد جواد شبیری**

**بحث: زکات**

**14011209**

**متن خام**

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم

بسم الله الرحمن الرحیم و به نستعین انه خیر ناصر و معین الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی سیدنا و نبینا محمد و آله الطاهرین و لعن علی اعدائهم اجمعین من الان الی قیام یوم الدین.

بحث سر این بود که محمد بن شاذان می شود توثیق کرد یا نه؟ به تناسب این بحث، عناوینی را که مربوط به محمد بن شاذان است را ذکر کردیم.

روایتی بود در مورد اینکه از آن وکالت محمد بن شاذان استفاده می شود روایت این بود تعبیر می کند اجتمع عندی مال للغریم اون روایت. کلمه غریم یک تقریب تقیه ای از حضرت ولی عصر علیه السلام بوده. به جهت تقیه این چنین تعبیر می کردند . برای اینکه اگر نامه به دست کسی افتاد مشکل ساز نباشد.

این روایت در رجال کشی با این تعبیر آمده یک عنوان ایشان داده « فِي أَبِي عَبْدِ اللَّهِ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ نُعَيْمٍ الشَّاذَانِيِ‌» و در ذیلش این روایت را آورده « آدَمُ بْنُ مُحَمَّدٍ، قَالَ سَمِعْتُ مُحَمَّدَ بْنَ شَاذَانَ بْنِ نُعَيْمٍ يَقُولُ‌: جُمِعَ عِنْدِي مَالٌ لِلْغَرِيمِ وَ أَلْقَيْتُ فِيهِ شَيْئاً مِنْ صُلْبِ مَالِي، قَالَ، فَوَرَدَ مِنَ الْجَوَابِ: قَدْ وَصَلَ إِلَيَّ مَا أَنْفَذْتَ مِنْ خَاصَّةِ مَالِكَ فِيهَا كَذَا وَ كَذَا فَقَبِلَ اللَّهُ مِنْكَ. » (إختيار معرفة الرجال المعروف بـ رجال الكشي، ص533)

از این عنوان و از روایت ذیل آن مشخص است که ابی عبدالله محمد بن احمدبن نعیم شاذانی همین محمد بن شاذان بن نعیم است ولی حالا چگونه اینها یکی است.

قبلش عرض کنم که در رجال شیخ طوسی یک عنوان محمد بن احمد بن نعیم ابو عبدالله شاذانی نیسابوری در باب اصحاب امام حسن عسکری ذکر شده است. ناظر به همین عنوان است ظاهرا از رجال کشی گرفته.

اینکه رجال کشی را که شیخ خلاصه کرده و به عنوان اختیار الرجال در آورده چه چیزهایی را انتخاب کرده و برچه ضابطه ای بوده ؟ بعضی می گویند که روایات معتبره را انتخاب کرده بعضی می گویند روایات خاصه را انتخاب کرده اینها دلیلی ندارد بلکه دلیل عکس دارد. روایاتی که در کشی است همه جور روایات است روایات متعارض که توضیحی هم نداده قبول ندارم یا نیست اینجور نیست که اختصاص داشته باشد به روایانی که پذیرفته است روایات متعارض که همه پذیرفتنی نیست. همچنین اینکه روایات عامه را حذف کرده درست نیست چون تصریح می کند در مواردی که این روایات از عامه است. تصور می کنم که مرحوم شیخ طوسی موقعی که فهرست را می نوشته یکسری از اطلاعات که مربوط به صاحب کتابها و مصنفین بوده از رجال کشی کرده که تصریح هم تو این اختیار الرجال است مثلا در ترجمه فضل بن شاذان است. به هر حال یکسری اطلاعاتی که در رجال کشی بوده مرتبط با فهرست بوده در فهرست اورده بعد که رجال را نوشته اطلاعاتی که مربوط به رجال بوده را انجا ذکر کرده بعد اواخر عمرشان سال 557 ظاهرا که این اختیار الرجال را انتخاب کرده آن اطلاعاتی که مرتبط بوده و قبلا تو کتابهاش نیاورده اطلاعاتی که در رجال و فهرست نیاروده انتخاب کرده که در مجموع اطلاعات رجال کشی قابل طرحش چه درست چه نادرست در سه کتاب فهرست شیخ و رجال شیخ و اختیار الرجال جمع اوری شده است وارد این بحث نمی شوم که کجای رجال شیخ از رجال کشی گرفته شده قرائنی است که در جای خودش بیان می کنیم.

به هر حال این عنوان هم از اصل رجال کشی اخذ شده است رجال کشی دارد که ابی عبدالله محمد بن احمد بن نعیم شاذانی با محمد بن شاذان بن نعیم. این دو عنوان که دیدم در نگاه اول ، به ذهنم رسید که محمد بن احمد بن نعیم و محمد بن شاذان بن نعیم گفتم شاذان بن نعیم یکی باشند چجوری یکی باشند یکی اینکه یکی از اینها لقب باشد و دیگری اسم باشد شاذان لقب باشد و دیگری اسم علی بن محمد بن عبدالله از مشایخ شیخ کلینی است این متحد از علی بن محمد بن بندار . بندار لقب است عبدالله اسم. یا بنان . بنان بن محمد با عبدالله بن محمد بن عیسی یکی است بنان لقب است عبدالله اسم است برادر احمد بن محمد بن عیسی . این هست ممکن است اسم و لقب باشد گفتم ممکن است که شاذان لقب باشد احمد اسم باشد . یک نکته دیگر اینکه اول اسم شاذان بوده فارسی بوده بعد که در محیط عربی قرار گرفته اسم عربی برای خودش انتخاب کرده. این هم یک احتمال.

در جعفر بن محمد بن مسرور با جعفر بن محمد بن قولویه آیا یکی است؟ بحث مفصلی دارد به نظر ما یکی هستند. یک احتمال این است که قولویه یک واژه فارسی باشد مسرور ترجمه عربی آن باشد قولویه یعنی شادمان و مسرور. شاذان همان شادان فارسی است در فارسی کهن خیلی از این ذال ها دال بوده است. شعری منسوب به خواجه نصیر الدین طوسی است:

آنان که به فارسی سخن می رانند در معرض دال ذال را ننشانند

ماقبل وی از ساکن جز وای بود دال است وگرنه ذال معجم خوانند

قبل از حرف دال اگر صحیح باشد واو یاء الف باشد مثل خورد برد صحیح و ساکن است ولی اگر متحرک باشد مثل بَرَد یا حرف عله باشد مثل شاد بود یا حرف عله باشد و متحرک باشد مثل بُوَد اینها ذال می شود شاذ بُوَذ

تو تاریخ قم به خصوص در این چاپ اخیر این موارد زیاد است چاپ آقای انصاری.

همزه غیر ملفوظ گ بوده ساده جمعش می شود سادگان نسبت آن می شود سادگی. آن گ جیم می شود آن د در فارسی کهن ذال بوده.

دانستن اینها مفید است.

به تناسب روایتی است نقل کنم. بعضی گفتند شب قدر، ثواب روزه ماه رمضان را می دهند. امام می فرماید نه. روزه ماه رمضان ثوابش شب عید فطر است بعد تعبیر است انّ القاریجار انما یعطی اجرته عند فراغه من العمل همچین تعبیری. (۱۱۰۳۸-۹ الكافي ،۱/۳/۱۶۷/۴ محمد عن أحمد عن الفقيه ،۲۰۳۶/۱۶۷/۲ القاسم عن جده قال: قلت لأبي عبد اللّٰه عليه السّلام إن الناس يقولون إن المغفرة تنزل على من صام شهر رمضان ليلة القدر فقال يا حسن إن القاريجار إنما يعطى أجرته عند فراغه ذلك ليلة العيد.) این کلمه قاریجار را خیلی عبارتهای مختلف و عجیب و غریب پیدا کرده. مرحوم شیخ بهایی مطلبی می گوید که کاملا درست است هرچند مرحوم میرداماد نپذیرفته این مطلب درست را . می گوید کارگر تعریب شده شده قاریجار. ک در عربی گ می شود گ جیم می شود ر فارسی ری و حرکت فتحه الف می شود روی هم می شود قاریجار . خیلی وقت کلمه ک را قاف و گ را جیم . حالا این شاذان همان شادان است فارسی است مجمع الرجال قهپایی شاذان ها را تبدیل به شادان کرده در حالی که نمی دانسته همین شادان ها که ما داریم اصل فارسی آن شاذان است و اینها به همان تلفظ قدیمی فارسی تلفظ شده است .

به هر حال بگوییم احمد اسم عربی بوده و شاذان اسم فارسی بوده دو تا اسم داشته . این ابتدا به ذهنم رسید بعد که مراجعه کردم به نظرم رسید که این بن احمد زائد است یا احمد بن زائد است ابی عبدالله محمد بن نعیم شاذانی بوده . یک بحث این است که چرا بن احمد زائد است بعدا صحبت می کنم یک بحث این است اگر محمد بن نعیم بوده چطور محمد بن نعیم تبدیل به محمد بن احمد بن نعیم شده ؟ جواب این است که محمد بن گاهی اوقات در یک نسخه ای تبدیل به احمد بن می شود و بعد این تبدیل شده در حاشیه نوشته می شود و این عبارت محرّفی که در حاشیه نوشته میشده به گمان اینکه از متن ساقط شده در متن وارد میشده. به اصطلاح جمع بین نسخه صحیحه و محرفه. که یکی از تحریفهای شایع است . بیشترش هم نکته اش به همین وجه است گاهی هم به حاشیه نمی رود بعد داخل متن شود از همان اول تو ذهن طرف تحریف می شود و اضافه می شود ولی این کمتر اتفاق میافتد.

یک از شواهد این وجه، در رجال کشی در مورد همین آقا رجال کشی 223 رقم 357 وجدت بخط ابی عبدالله محمد بن نعیم شاذانی قال سمعت فضل بن شاذان. این محمد بن نعیم نسخه بدلش محمد بن احمد بن نعیم است در همان حاشیه چاپی می گوید نسخه بدل محمد بن نعیم، محمد بن احمد بن نعیم است. و در تمام مواردی که این محمد بن نعیم در رجال کشی فراوان ازش نقل شده است و معمولا با تعبیر وجدت فی کتاب، وجدت فی کتاب بخطه نقل شده است با سه تعبیر ازش یاد شده است ابی عبدالله محمد بن نعیم شاذانی است یک تعبیر محمد بن شاذان بن نعیم است ابی عبدالله بن شاذانی است این سه تعبیر. و جزو مشایخ عیاشی هم است عیاشی با تعابیر مختلف ابو عبدالله ، ابو عبدالله شاذانی، ابو عبدالله بن نعیم شاذانی و محمد بن شاذان ازش یاد کرده.

نکته ای عرض کنم: ما وقتی اطلاعاتی را می خواهیم جمع آوری و جمع بندی کنیم گاهی اوقات دو عنوان را که می خواهیم متحد کنیم گونه های مختلفی احتمالش است: دو اسمی بودن. بحث نسبت به جد، بحث تحریف. هر کدام از اینها در یک جایگاهی است. چیزی اگر خیلی به ندرت اتفاق بیفتد و زمینه تحریف آن وجود دارد گونه اصلی بحث تحریف است . مویدات این مسئله: همین محمد بن شاذان بن نعیم در اختصاص، با احمد بن شاذان بن نعیم ازش یاد شد شخص دیگری نداریم که راوی از سعد بن شاذان باشد باید همین محمد بن شاذان باشد. ص 51 احمد بن شاذان بن نعیم . ما یک احمد بن شاذان بن نعیم داریم یکی محمد بن شاذان بن نعیم داریم محمد بن احمد بن شاذان داریم وقتی اینها را که کنار هم بگذاریم احتمال تحریف به ذهن میرسد اولا باید مواردی که شایع است آنها را به عنوان اصل قرار دهیم و سایر موارد را بر اساس آن توضیح دهیم تعبیری که در نوع موارد از این راوی یاد شده محمد بن شاذان بن نعیم است این اما محمد بن نعیم خیلی طبیعی است که بگوییم نسبت به جد است شاذان را حذف کرده است. به جد نسبت داده است. احمد که در بعضی جاها به جای محمد است و بعضی جاها همراه محمد است که هر دو اینها مدلی است به خصوص که به عنوان نسخه بدل آمده اند خود این ما را به این مطلب میرساند مجموع مطالب را کنار هم بگذاریم به نظر می رسد که این راوی محمد بن شاذان بن نعیم است و این محمد بن شاذان بن نعیم ، نعیم جد است شاذان پدرش است البته این محمد یک برادی داشته به نام نعیم که به نام جد نامگذاری شده بوده که اون نعیم پدر جعفر بن نعیم شاذان است بنابراین حاکم ابو محمد که جزو مشایخ شیخ صدوق است جعفر بن نعیم بن شاذان بن نعیم است. که عموش میشه.

یک نکته ای که اینجا وجود دارد که می خواهیم بگوییم محمد بن احمد بن شاذان، محرّف است نکته این است که در هیچ جایی که این جعفر بن نعیم بن شاذان از محمد بن شاذان نقل می کند هیچ جا کلمه بن احمد و امثال اینها نیامده یعنی فقط بن احمد در این عبارتهای کشی و اینا است به طور طبیعی اگر این محمد بن شاذان نوه شاذان بوده محمد بن احمد بن شاذان بود به طور طبیعی باید در لقب جعفر بن شاذان لقب محمد بن شاذانی که در روایات شیخ صدوق است از او بن احمد یاد می شد لذا به نظر می رسد که محمد بن شاذان بن نعیم است که یک برادر داشته به نام نعیم اینکه شخص به اسم جد اسم گذاری شده باشد خیلی شایع است به خصوص که شخص از دنیا می رود مرسوم است که اسم جد را روی فرزند می گذارند اخوی ما سید احمد اولین نوۀ مرحوم جد ما بعد از فوت ایشان است این است که اسمش را احمد گذاشتند این خیلی شایع است الان هم احیانا به نام جد می گذارند در برخی اصطلاحات قدیمی به این شخص آقا بزرگ می گفتند مرحوم آقا بزرگ تهرانی اینا که می گویند به خاطر این است که محسن اسم جدشان بوده اسم ایشان هم محسن بوده به نام جد، آقا بزرگ تعبیر می کردند.

عرض کنم اینجا یک مطلبی باقی می ماند: در رجال شیخ طوسی کسی را ترجمه کرده حیدر بن شعیب بن عیسی. صفحه 433 رقم 6096.

نکته ای را عرض کنم ببینید اینکه ما محمد بن احمد بن شاذان، می گوییم بن احمد محرّف است یکی از نکات مهم این است که اگر قرار اختصار در نسب باشد تعبیر محمدبن شاذان را ممکن است اختصار در نسب تعبیر کنیم ولی محمد بن شاذان بن نعیم که سه تا اسم را ذکر کرده محمد ، شاذان ، نعیم ، این وسط احمد را ذکر نکرده. هر چه در تعبیرات بیشتر ذکر شود نسبت به جد احتمالش کمتر می شود.

نمونه هایی دارد که این موارد را ما نسبت به جد ذکر کنیم یا تحریف بگیریم. خیلی ظریف است در بعضی تعابیر. در ابن نوح صیرافی در رجال شیخ و نجاشی اینکه اسم کاملش چی است خیلی مختلف ذکر شده در رجال شیخ و نجاشی . مدل در آوردن نسب کاملش. خیلی مخم است که نسب کاملش را در بیاوریم. قبلش به تناسب این نکته را اضافه کنم که خدا رحمت کند مرحوم اقای صدر را در بحث اخبار علاجیه که کتابی بوده مال قطب راوندی که یکسری روایات در آن در مورد اخبار علاجیه و دو سه تا روایت مهم در مورد اخبار علاجیه در آن است که چند نفر از عبدالصمد تمیمی در آن است محمد بن علی بن عبدالصمد ، علی بن علی بن عبدالصمد اینها بعد مرحوم صدر یک عنوانهای از این خانواده وجود داشته مثلا محمد بن عبدالصمد ، علی بن عبدالصمد ، وجود داشته که صاحب کتاب دعای ذخیرة الآخرة فکر کنم است اگر اشتباه نکنم ایشان چند تا عنوان را که می خواهد یکی کند به دلیل آشنا نبودن با قواعد نسب شناسی یک نسب نامه عجیبی برای این خانواده ذکر کرده. در حالی که مرحوم آشیخ آقای بزرگ تهرانی مرحوم حاجی نوری که اینکاره هستند در اون علی بن عبدالصمدِ صاحب ذخیرة الآخرة تا رسیدند گفتند که این نسبت به جد است. عبدالصمد جد چهارم پنجم است من مفصل در آن بحث تعادل و تراجیح در مورد این خانواده و مدل تشخیص آن بحث مفصل کردم که در ج5 کتاب دروس فی علم الاصول آمده است. عرض کنم گاهی اوقات قواعد مختلفی می تواند عناوین را به هم ارتباط دهد قاعده تحریف ، قاعده تعدد اسم، قاعده نسبت به جد ، این سه قاعده در ارتباط دادن عناوین مختلف و یکسان سازی عناوین کارایی دارند ولی هر کدام از اینها جایگاهی دارد اینکه کجا باید هر قاعده را به کار گرفت ظرافت ها و دقت های بحث رجالی می طلبد.

رجال شیخ طوسی : حیدر بن شعیب بن عیسی. صفحه 433 رقم 6096 که 31 باب است حیدر بن شعیب بن عیسی ترجمه شده می گوید روای کتب فضل بن شاذان عن ابی عبدالله محمد بن نعیم بن شاذان المعروف بشاذانی، ابن اخی الفضل . اینجا کسی معرفی شده که کتب فضل بن شاذان را روایت کرده است یعنی باید یک راوی معروفی باشد که راوی ابی عبدالله محمد بن نعیم است ابی عبدالله معروف به شاذانی. اونی که معروف به شاذانی است محمد بن شاذان بن نعیم است نه نعیم بن شاذان . ابن اخی الفضل هم نیست شاهد اینکه اینکه ابن اخی الفضل نیست اولا در هیچ جایی در روایتهایی که این محمد بن شاذان بن نعیم از فضل بن شاذان دارد که بیشتر روایاتش هم فضل بن شاذان است در هیچ جا اشاره نشده که عموی من است. محمد بن شاذان بن نعیم که از فضل بن شاذان نقل می کند در هیچ جایی اشاره به اینکه فضل بن شاذان عموی من است. این محمد بن نعیم شاذان معروف به شاذانی را ابن اخ الفضل قرار داده یعنی . اولا اون چیزی که هست نعیم پدر شاذان است نه پسر شاذان. عرض خواهم کرد که نکته این بحث چی است. نعیم پدر شاذان است نه پسر . این یک . شاهد اینکه فضل بن شاذان عموش نیست این است که هیچ جایی اشاره به اینکه از عموش نقل می کند نشده است در حالی که در همان جاها ابو محمد حاکم جعفر بن نعیم بن شاذان می گوید عن عمّه محمد بن شاذان. ولی بعدی را دیگه عن عمّه نمی گوید در حالیکه طبیعی بود که اونجا که نسبتش را می گوید اون یکی هم نسبتش را بگوید اگر تو مقام بیان نسب باشه باید اینها را ذکر کند هیچ جا به خصوص در جایی که ابو محمد جعفر بن نعیم بن شاذان نقل می کند عن عمّه، آنجا هم اشاره نشده . یک. دوم اینکه ظاهرا شاذان پسر نعیم است این شاذانی که اینجا داریم شاذانِ «فضل بن شاذان» پسر خلیل است شاذان بن خلیل مکرر هم به عنوان پدر شاذان آمده هم مستقل. شاذان بن خلیل پدر فضل بن شاذان خودش از مشایخ احمد بن محمد بن عیسی است احمد بن محمد بن عیسی مکرر از شاذان بن خلیل روایت دارد. و هیچ جایی در نسب فضل بن شاذان کسی به نام نعیم اصلا نام وجود ندارد. این هم دو نکته.

به نظر می رسد منشا اشتباه این بوده که این محمد بن شاذان یک برادر به نام نعیم داشته این برادر قاطی شده و در نسب این امده . جعفر بن نعیم بن شاذان که استاد شیخ صدوق است اون پسر نعیم بن شاذان است اون نعیم بن شاذان نعیم بن شاذان بن نعیم است اون نعیم بن شاذان با این قاطی شده از اون اسم و از اونجا یعنی دو اشتباه پی در پی رخ داده است اول تخیل شده است که این محمدبن نعیم بن شاذان است بعد دیده از فضل بن شاذان اینقدر روایت می کند خوب بالاخره باید یک ارتباطی داشته باشد برادرزاده اون شده من حدس میزنم اینکه حاکم ابو محمد از عموش نقل می کند این دخالت داشته باشد در اینکه تخیل شده باشد که عمومت دارد. تو این سلسله سند عمومتی وجود داشته ابو محمد جعفر بن نعیم بن شاذان از عموش محمد بن شاذان بن نعیم نقل کرده قاطی شده عمومتی که بین جعفر بن نعیم بن شاذان و محمد بن شاذان بن نعیم است انتقال پیدا کرده به عمومت بین محمد بن شاذان بن نعیم و فضل بن شاذان. اینها قاطی شده.

نکته: چیزهای که نادر است اندک است به راحتی نمیشه قبول کرد روی همین جهت یک عنوانی که در قصص الانبیا راوندی است که الحاکم ابو محمد جعفر بن محمد بن شاذان عن ابیه عن الفضل بن شاذان. کأنّ این جعفر بن نعیم بن شاذان یک پسر عمو داشته به نام. این بسیار مستعبد است چون اولا کلمه الحاکم یک عنوان خاص است حاکم اسمش هم جعفر باشد. حاکم دو تا اصطلاح دارد. حاکم ممکن است به معنای فرمانده باشد. ممکن هم است حاکم در اصطلاح حدیثی باشد که کسی است که فرضا صد هزار حدیث حفظ باشد افراد تک و توک چند نفر بیشتر نیست حاکم نیشابوری است ابن عقده به عنوان حاکم شناخته می شود ابن ؟؟؟ به عنوان حاکم شناخته می شود. کل حاکمها ده نفر نمی شود . چه حاکم به عنوان فرمانده باشد چه مراد از حاکم معنای اصطلاحی در حدیث باشد اینکه یک کسی حاکم باشدولی هیچ اثری از او در هیچ جای دیگری دیده نشود تقریبا مستعبد است به نظر می رسد قاطی شده است جعفر بن محمد بن شاذان همین جعفر بن محمد بن شاذان عن عمه عن فضل بن شاذان بوده که قاطی شده همین قاطی شدن که اینجا است تو اون قصه قصص الانبیاء راوندی اون سند متفرد هم باید این اشتباه درش رخ داده باشد نکته ای که می خواهم عرض کنم: اسناد نادره شاذه زمینه تحریف و اشتباه هستند نباید مدار قرارشان داد که اسناد شایع رابه آنها برگرداند مگر فرض کنید در مورد محمد بن سنان تو شرح حالش از قول نوه محمد بن سنان نقلی می کند که می گوید این سنان که محمد بن سنان است اسم جدش بوده پدرش از دنیا رفته بود و پیش جد بزرگ شده. خوب اون مورد خاص است. شخصی که در خانواده بوده چنین اطلاعاتی را دارد ارائه میدهد این اشکال ندارد ولی همین جوری یک جایی اگر محمد بن سنان دیدیم و محمد بن احمد بن سنان هم دیدیم نباید گفت که محمد بن سنان نسبت به جد است اصل اولی در اسناد نادره، اشتباه رخ دادن است به هر نحوی از انحا که باید توجیه اشتباه را کرد. اسناد نادره و شاذه مدار توضیح سائر اسناد نیست. عبارتی در توضیح الاسناد زیاد به کار می برم می گویم مثلا هذه سند شاذ لایقاس علیه. اگر به فرض هم درست باشد مبنا نباید باشد اولا اسناد شاذه لا یآمن من التحریف. زمینه تحریف در آنها شایع است اگر هم تحریف رخ نداده این شاذ را باید جوری درستش کرد یا قائل به تحریف شد اگر امکانش وجود دارد به هر حال باید اسناد شاذه را گفت که غلطی رخ داده است.

نتیجه اینکه: راوی مورد نظر ما ابوعبدالله محمد بن شاذان بن نعیم است گاهی اوقات به محمد بن شاذان اکتفا شده گاهی این محمد تحریف به احمد شده گاهی بین آنها جمع شده. این نکته را اینجا ضمیمه کنیم : اون محمد بن احمد بن نعیم که می گفتیم بن احمد زائد است جمع بین محمد بن نعیم و محمد بن شاذان بن نعیم اقتضا می کرد که بگوییم نعیم اسم جد است شاذان اسم پدر است و محمد بن نعیم نسبت به جد است اگر نسبت به جد باشد محمد بن احمد بن نعیم اینکه اسم اصلیش محمد بن احمد بن نعیم باشد کأن اصل نسبش اینگونه باشد محمد بن احمد بن شاذان بن نعیم اون احمد را حفظ کرده باشد شاذان را حذف کرده باشد خودش فی نفسه احتمال ضعیفی است مگر اینکه اون احمد شخصیت معروفی باشد اگر معروف باشد اشکال ندارد مثل محمد بن علی بن بابویه چون علی که پدر است شخصیت معروفی است علی را حفظ می کند و فاصله بین علی تا بابویه را حذف می کند ولی اون احمد به هر حال شخصیت معروفی نیست شناخته شده نیست بنابراین ذاتا بن احمد را نمی توانیم در سلسه نسب بیارویم دیدم تو تعلیقه بر مشیخه تهذیب بود نوشته محمد بن احمد بن شاذان بن نعیم ابن اخ الفضل همه اطلاعات را جمع کرده. اینجور نیست که همه اطلاعات را جمع کنیم.

سوال:ابن اخل الفضل نمیشه؟

پاسخ: یک جوری دیگه درست کرده. توجه نداشته.

بنابراین نتیجه بحث اینکه: گاهی بن علی اضافه شده: محمد بن علی بن شاذان. گاهی بن احمد اضافه شده محمد بن احمد بن نعیم . یا محمد بن احمد بن شاذان . گاهی هم محمد تبدیل به احمد شده: احمد بن شاذان بن نعیم. این تحریفات مختلفی که این عنوان پیدا کرده .

بحث تمام.

این بحث تمکن از تصرف هم ظاهرا دیگر بحثی ندارد.

به ترتیب شرایع وارد بحث بعدی که زکات در دین است می شویم.

وصلی الله علی محمد و آله الطاهرین